

مطالعه تطبیقی نظریه جک گلدستون با انقلاب اسلامی ایران و تحولات سیاسی یمن

بهزاد قاسمی*

محمد بختیاری**

چکیده

نظریه جک گلدستون^۱ به‌عنوان تئوری نسل چهارم انقلاب‌ها، در انقلاب اسلامی ایران و تحولات سیاسی یمن مورد مطالعه واقع شده است. نظریه مذکور انقلاب اسلامی را علت تولد نسل چهارم نظریه انقلاب‌ها می‌داند. رهبری، آرمان و ایدئولوژی، فرهنگ و باورها و شبکه ارتباطی و شخصیت‌ها از شالوده و اساس این نظریه است؛ که از این رهیافت استخراج شده است. براساس یافته‌ها و نتایج مقاله به نظر می‌رسد مدل نظری گلدستون به علت عبور از عوامل تاریخ طبیعی، عمومی و ساختاری در نتیجه تکامل نظریه‌ها از یک‌سو، و از سوی دیگر توجه به زمینه‌های معنوی، شبکه مردمی و حضور رهبری را از عوامل و بسترهای شکل‌گیری انقلاب و رخداد سیاسی مهم قلمداد می‌کند. مصادیق و نمونه‌های عینی بررسی شده در کشور ایران و یمن، این فرضیه را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، تحولات سیاسی یمن، گلدستون، رهبری، ایدئولوژی.

مقدمه

بسیاری از پژوهشگران، انقلاب اسلامی ایران را مورد تحلیل و تبیین قرار داده‌اند. انقلاب اسلامی در عمل تحولی بزرگ در تئوری‌های موجود و نظریه‌پردازی انقلاب به‌وجود آورده و در انقلاب‌های غرب آسیا و شمال آفریقا تأثیر گذاشته است. به همین علت امروزه مقایسه انقلاب ایران با دیگر انقلاب‌ها و تحولات سیاسی مهم منطقه، مهم و ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر انقلاب

*. استادیار گروه انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی، دانشگاه جامع امام حسین (ع) و مدرس گروه معارف اسلامی.
(نویسنده مسئول)
ghasemi.b@ihu.ac.ir

** استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع).

bakhtiari@hum.ikiu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲

^۱. Jack Goldstone.

اسلامی ایران و تحولات سیاسی یمن را براساس نسل چهارم انقلاب‌ها و نظریه گلدستون مورد بررسی قرار داده است.

مقاله حاضر از این منظر که به بررسی تطبیقی میزان انطباق‌پذیری تحولات انقلاب ایران و یمن، با نظریه نسل چهارم انقلاب‌ها می‌پردازد، موضوع جدیدی است، زیرا که در پژوهش‌های قبلی از منظر پژوهش حاضر کمتر بدان توجه شده است.

نگارندگان در پی تأیید این فرضیه هستند که نظریه گلدستون در مقایسه با تئوری‌های سه نسل پیش از خود بیشترین توانمندی را برای تبیین تحولات بر محور فرهنگ، ایدئولوژی، رهبری، بسیج انقلابی، ائتلاف‌های طبقاتی و شبکه‌های ارتباطی در دو کشور را دارد. این نظریه بر پایه فرهنگ، رهبری و ایدئولوژی استوار است. رویکرد این رهیافت، پیش از نسل چهارم انقلاب‌ها مورد توجه واقع نشده است. در انقلاب‌ها به خصوص انقلاب در جوامع اسلامی نقش بارز «فرهنگ، رهبری و آرمان و مقوله‌هایی نظیر باورها» (Goldstone, 2001: 139) بسیار مهم و محل بحث هستند.

نگارندگان در این پژوهش در تلاش هستند که به مطالعه تطبیقی انقلاب اسلامی ایران و تحولات سیاسی یمن براساس نظریه جک گلدستون بپردازند و سعی دارند عوامل و زمینه‌های بروز انقلاب در دو کشور غرب آسیا را مورد مطالعه و تبیین قرار دهند. پیش از این پژوهش براساس نظریه نسل چهارم در مورد انقلاب اسلامی انجام شده است ولی پژوهشی که به صورت مقایسه‌ای، انقلاب اسلامی ایران را با تحولات سیاسی یمن براساس نظریه جک گلدستون انجام دهد، یافت نشد.

چارچوب تئوریک: نظریه جک گلدستون

انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز و موجد شرایط آزمون، ابطال، تغییر، تعدیل و تولد نظریه‌ها در باب انقلاب‌ها شد. بسیاری از نظریه‌پردازان، انقلاب اسلامی ایران را پدیده‌ای نو برای محک نظریه خود قرار دادند که گروه زیادی را به تأمل و تفکر واداشت. جان فوران با وقوع انقلاب اسلامی ایران سخن از نسل جدید انقلاب‌ها گفت (Foran, 1993: 3) و خانم‌ها کدی، اسکاچپول و عشقی، ماهیت انقلاب اسلامی ایران را خارج از الگوها و نظریه‌های مطرح در باب انقلاب‌ها دانستند. (Keddie, 1981: 22; Skocpol, 1982: 271) عشقی، (۱۳۷۹: ۵۹) در واقع می‌توان گفت، با مشاهده ناتوانی نظریه‌های موجود در تبیین و تحلیل دقیق، کامل و اطمینان‌بخش انقلاب اسلامی ایران، نسل چهارم تئوری‌های انقلاب متولد شد. (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۱۳۲) در یک تقسیم‌بندی جدید گلدستون نظریه‌های انقلاب را به سه دسته تقسیم کرده و انقلاب اسلامی را مبدع نسل چهارم

انقلاب‌ها قلمداد کرد. (گلدستون، ۱۳۸۵)

گلدستون استاد مدرسه سیاست‌های اجتماعی دانشگاه «جورج میسون»^۱ و از نویسندگان موضوع انقلاب است. از زمینه‌های مطالعاتی مهم وی دموکراتیزاسون، تغییرات اجتماعی طولانی‌مدت، انقلاب‌ها، جنبش‌های اجتماعی و شکست و بازسازی دولت است. گلدستون پس از گذارندن مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه «هاروارد»، مقطع دکتری را در سال ۱۹۸۲ از همین دانشگاه دریافت کرد. (زاهدانی، ۱۳۹۲: ۶۴) اولین کتاب گلدستون با عنوان *انقلاب‌ها: مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی* در سال ۱۹۸۶ منتشر شده و در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۳ تجدید چاپ شد. این کتاب در سال ۱۳۸۵ در ایران ترجمه و منتشر شد.

دیدگاه گلدستون به سبب تقسیم بندی خاص و ابتکاری، مورد توجه قرار گرفته است. برای اولین بار موضوع تأثیر حوادث جدید و نو را در تحولات انقلاب مطرح کرد و براساس رخداد چند انقلاب از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰، نظریات گذشته پیرامون انقلاب را به چالش کشید. (Goldstone, 2001: 140-141) مقاله پیش‌رو، نظریه نسل چهارم گلدستون درباره انقلاب‌ها را نظریه مناسب در تطبیق و تحلیل انقلاب ایران و یمن می‌داند و بر همین اساس به نگارش درآمده است. گلدستون انقلاب‌ها را در سه نسل جای داده و با وقوع انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های دیگری در پایان قرن بیستم، از ورود به نسل چهارم سخن گفته است.

الف) نسل اول تاریخ طبیعی

نسل اول نظریات انقلاب مطالعات نظریه‌پردازان انقلاب و دانشمندان علوم اجتماعی طی سال‌های ۱۹۴۰ - ۱۹۰۰ را شامل می‌شود. این دسته از مطالعات که تحت‌عنوان «تاریخ طبیعی انقلاب‌ها» مطرح‌اند، در پی توصیف الگو و فرایند انقلاب‌ها هستند و الگوهای مشترک انقلاب‌ها را تبیین می‌کنند. (Goldstone, 1980: 425-426) این نسل از نظریه‌پردازان همه ابعاد انقلاب را نمی‌توانستند تبیین کنند و ضعف نظری زیادی داشتند.

ب) نسل دوم نظریه عمومی

این نگرش به انقلاب، سال‌های ۱۹۷۵ - ۱۹۴۰ میلادی را دربرمی‌گرفت. نظریه عمومی از فرایند انقلاب فراتر رفته و تلاش کرد به علل و زمان وقوع انقلاب بپردازد. این دسته از نظریه‌پردازان به علل، عوامل و زمان وقوع شرایط انقلابی پرداختند. (Ibid: 427) در این نظریه‌ها به علل

1. George Mason.

روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علم سیاست نیز پرداخته شده است. نسل دوم علل و زمینه‌های وقوع انقلاب را تبیین کرده و پاسخ به چرایی انقلاب‌ها می‌دادند، تحلیل روان‌شناسی جمعی، تحلیل جامعه‌شناختی کارکردگرا و ساختاری و تحلیل‌های سیاسی در این دسته قرار داشتند؛ این نسل نیز علاوه بر اینکه مورد انتقاد نسل بعد از خود قرار گرفت، درحقیقت ضعف نظریه‌پردازی نیز داشت. ناتوانی در پاسخ به چگونگی تبدیل محرومیت به انقلاب و دیگر اینکه در جامعه‌شناسی سیستمی مشابه فرض کردن انسان و جامعه با ماشین و سیستم فیزیکی مورد انتقاد است. (ملکوتیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۴۱؛ ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۵۰ - ۴۵)

ج) نسل سوم نظریه ساختاری

نظریه ساختاری در علل رخداد انقلاب از سال ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه قرار گرفت. نوع نگرش به انقلاب در این رهیافت ساخت‌گرا بوده و هسته تحلیلی را بر فشارهای بین‌المللی، جامعه دهقانی، نیروهای نظامی و رفتار نخبگان قرار داده است. (Goldstone, 1980: 435) اسکاچپول و فوران در این دسته قرار می‌گیرند. (Foran, 1993: 1; Skocpol, 1982: 274) تحلیل انقلاب در این نظریه بر پایه شواهد تاریخی قرار دارد. علاوه بر رویکرد ساختاری، این نظریه‌پردازان کلی‌نگرتر نیز هستند. از نظر این دسته، برای وقوع انقلاب باید شرایط ساختاری ویژه‌ای مقدم بر فشارها یا تحولات اجتماعی و بین‌المللی وجود داشته باشد. درواقع این نظریه‌پردازان متوجه نقش انواع ساختارها مانند ساخت دهقانی در وقوع انقلاب شده و نقش عوامل آرمانی یا ایدئولوژیک و رهبری انقلابی را نادیده می‌گرفتند. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۲۴) آنچه درباب تئوری‌ها و رهیافت‌های مختلف در سه نسل از نظریه‌پردازان مطرح شده و نظریه افراد مختلف در هر دسته دارای اهمیت است.

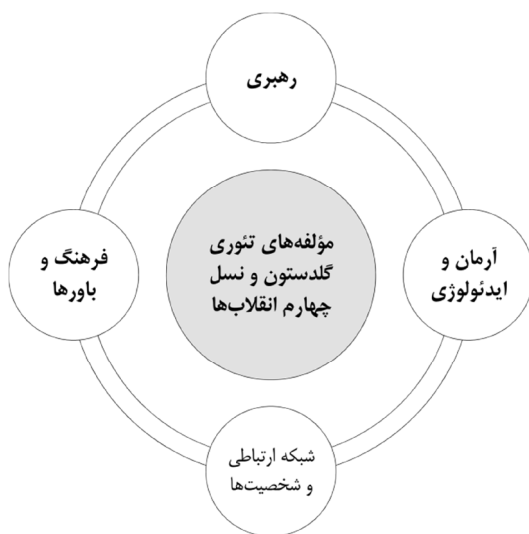
پس از سه نسل، نظریه گلدستون به عنوان یکی از نظریه‌های مطرح جدید موسوم به نظریه نسل چهارم انقلاب‌ها درباره علل و زمینه رخداد انقلاب‌ها از سوی بسیاری از محققان مورد توجه و بحث قرار گرفته است. تحلیلگران تلاش کرده‌اند تا این نظریه را با انقلاب ایران و انقلاب‌های جدید تطبیق دهند و میزان تبیین‌پذیری این تئوری جدید را با انقلاب‌های مختلف بسنجند؛ برای همین منظور ابتدا به بررسی نظریه مذکور پرداخته می‌شود.

د) نسل چهارم نظریه انقلاب

با رخداد چند انقلاب در قرن بیستم، به‌خصوص انقلاب ایران و نیکاراگوئه، نظریه‌های پیشین توانایی تبیین دقیق انقلاب و تبیین انقلاب براساس نظریه جدید صورت گرفت. نظریه‌پردازان نسل چهارم

انقلاب بر این باور هستند که در بررسی علل و عوامل انقلاب‌هایی همانند انقلاب اسلامی ایران باید به عواملی نظیر رهبری، ایدئولوژی و هویت تأکید کرد. چراکه نتیجه نهایی عدم‌توجه به موضوع ایدئولوژی، ارزش‌ها و فرهنگ، نابسامانی را در جامعه ایجاد خواهد کرد. تعبیر فوران از نسل چهارم انقلاب این است که «نسلی که از ساختارگرایی محض رها شده و به نقش فرهنگ، ایدئولوژی و بسیج منابع و عواملی از اینگونه اهمیت می‌دهد» (Foran, 1993: 16) گلدستون بر این باور است که در انقلاب‌های جدید «فرهنگ، ایدئولوژی، رهبری، بسیج انقلابی و ائتلاف‌های طبقاتی، شبکه‌های ارتباطی پیوند دارد و در انقلاب نقش دارند» (Goldstone, 2001: 139; گلدستون، ۱۳۸۷: ۲۸)

در تئوری گلدستون علاوه بر چهار مؤلفه اساسی که مقاله حاضر نیز براساس آن تبیین خواهد شد؛ عوامل دیگری نظیر پیامدهای انقلاب و عوامل ثبات‌بخش انقلاب نیز مورد توجه قرار گرفته است. (Goldstone, 1995: 39; گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۲۴) با این‌وصف انقلاب اسلامی ایران و تحولات سیاسی یمن به‌عنوان دو کشور مبتنی بر شاخصه‌های نسل چهارم انقلاب‌ها و مؤلفه‌های استخراج‌شده از نظریه گلدستون قابلیت و اهمیت تبیین در این رهیافت را دارد. بدین ترتیب نظریه جک گلدستون یک مفروض اساسی دارد و آن نقش ایدئولوژی، فرهنگ و رهبری است و بحث دوم بسیج مردمی، شبکه ارتباطی و ائتلاف‌ها هستند.



در مجموع، علل شکل‌گیری انقلاب در تئوری گلدستون را می‌توان در ساختار زنجیره‌ای به هم پیوسته از رهبری، آرمان و ایدئولوژی، فرهنگ و ارزش‌ها و شبکه ارتباطی یا شبکه شخصیت‌ها نمایش داد:

شایان ذکر است مهم‌ترین مؤلفه مورد اشاره گلدستون، رهبری می‌باشد؛ در این باره بیان می‌دارد: «رهبری و هدایت به‌عنوان یک ویژگی ممتاز در

همه انقلاب‌ها وجود دارد» (Goldstone, 2009: 20) اما نوع و کیفیت آن از انقلابی به انقلاب دیگر متفاوت است. در تطبیق تئوری گلدستون با انقلاب‌ها، رهبری نقش اول را دارد. اگر انقلابی در این چارچوب تبیین شود و فاقد رهبری باشد، باطل است. براساس این آغاز و انجام انقلاب‌ها از اراده و

باور رهبران تفکیک‌ناپذیر است.

دوم، آرمان و ایدئولوژی در نظریه نسل چهارم انقلاب‌ها است. از نظر گلدستون، «ایدئولوژی یک عنصر مهم است که در انقلاب‌های قرن بیستم وجود داشت». (Goldstone, 2009: 19 & 31)

ایدئولوژی از منظر گلدستون نقش مهمی دارد، اعتقادات مذهبی، فرصتی برای انسجام بخشی و حفظ ائتلاف میان طبقات و نخبگان گوناگون فراهم می‌کند. این چارچوب‌ها، گروه‌های مخالف را به این باور می‌رساند که هدفشان حق است و آنها در نهایت پیروز خواهند شد. (گلدستون، ۱۳۸۷: ۳۱)

سوم، نقش فرهنگ در انقلاب است. به تعبیر گلدستون «ایدئولوژی متأثر از چارچوب‌های فرهنگی و باورهای متداول و رایج جامعه بسیار مهم و اثرگذار است». (Goldstone, 2001: 155)

چهارم شبکه‌ها و سازمان‌های ارتباطی: چگونگی ارتباط انقلابیون با رهبری، چگونگی ارتباط نخبگان با معترضان معروف، چگونگی همگرایی افراد جهت کنش انقلابی در مکانی خاص، چگونگی ظهور رهبران و گروه‌های معروف در انقلاب و در دست گرفتن جریان انقلاب و موضوعاتی از این قبیل ذیل موضوع شبکه‌ها و سازمان‌های ارتباطی قرار می‌گیرد. (Goldstone, 2001: p 152)

اهمیت کارکرد و کاربردی تئوری گلدستون از این جهت است. اول، شناخت روابط علی و معلولی تحقق انقلاب و نگاه مبتنی بر فرهنگ و ایدئولوژی است. دوم، توجه ویژه به نقش و جایگاه رهبری در انقلاب را دارد. سوم، جامعه ایران به عنوان یک جامعه دینی دارای شرایط فرهنگی، تاریخی و اجتماعی خود است. بنابراین بررسی علل انقلاب ایران و تحولات سیاسی یمن که گونه دیگری از تحولات انقلابی متأثر از انقلاب ایران است، براساس تئوری نسل چهارم انقلاب، نمونه مناسبی به نظر می‌رسد.

نظریه گلدستون و انقلاب اسلامی ایران

با توجه به زمینه تاریخی فرهنگ ایران که مبتنی بر اسلام شیعی بوده، امکان بسیج توده‌های مردم فراهم بوده است. رژیم پهلوی و شخص شاه در صدد اسلام‌زدایی برآمده بود و انقلاب ایران در واقع پاسخ به این گونه اقدامات بود. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۵۲۷) در حقیقت حرکت مردمی با تکیه بر ارزش‌های فرهنگی مبتنی بر اسلام پیروز شد و نقطه عطفی را در جهت دهی تحرکات و بیداری اسلامی، با الگوسازی موفق نمایان ساخت. (سیمبر، ۱۳۷۸: ۲۶۲)

در گذشته سه گول فکری جامعه شناسی، یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم‌وبیش اختلافاتی، فرآیند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند؛ ولی از آغاز دهه ۱۹۸۰، شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرآیند عمومی جهانی روند معکوس

پیدا کرده و به سمت دینی شدن پیش می‌رود. (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۵) همین مطلب نشان می‌دهد که در وقوع انقلاب‌ها، از دیدگاه جامعه‌شناسی و تاریخی تحولاتی به‌وجود آمده است و نقش مذهب در انقلاب ایران قدرت انقلاب را مضاعف کرده است.

درحقیقت در انقلاب ایران برای اقتصاد و رفاه بیشتر هزینه زیادی در اندازه «جان» فدا نشد، تنها زمانی که انقلاب برای ارزش و ماهیت و هویت بود، چنین فداکاری انجام گرفت. فوکو می‌نویسد:

پس از کشتار هفده شهریور که وارد ایران شدم، فکر می‌کردم با شهری وحشت‌زده روبه‌رو خواهم شد. چون چهار هزار نفر کشته شده بودند. نمی‌توانم بگویم مردم را در آنجا شاد دیدم؛ اما واقعاً از ترس خبری نبود؛ حتی شجاعتشان بیشتر شده بود. (فوکو، ۱۳۸۶: ۶۳)

آرزوی شهادت در انقلاب تنها در پرتو رهبری الهی، نهضت اسلامی و برای ارزش‌ها و هویت اتفاق می‌افتد. حضور مردم در انقلاب ایران انگیزه دینی و مذهبی داشت؛ استمپل در این باره می‌نویسد «ظهور مذهب به‌عنوان یک نیروی مهم سیاسی» (استمپل، ۱۳۷۸: ۴۳۵) در انقلاب ایران بوده است. نقش رهبری در انقلاب ایران برجسته بود؛ رهبری در انقلاب آرمان‌های دینی و ارزشی را تبیین و تبلیغ می‌کردند. (کاشانی، ۱۳۷۴: ۲۲۵) آن‌گونه که فوران نقل کرده «تجهیز همه امکانات سراسر کشور و همه اقشار و طبقات اجتماعی با رهبری قوی و پرداخت بهایی گزاف» (Foran, 1993: 3) بود، که در انقلاب ایران نقش‌آفرینی کرد. به باور نیکی کدی، انقلاب ایران به همه اثبات کرد که ایدئولوژی، فرهنگ و مذهب نقش اصلی را در انقلاب ایران ایفا کرده و به‌عنوان ماهیت آن به‌شمار می‌روند. (کدی، ۱۳۸۷: ۸۰ - ۱۵)

آرمان و اهداف انقلاب ایران، استقلال و آزادی بود. آنچه امام خمینی در آموزه دینی اعتقاد داشت، این بود که اراده مستضعفان، سرانجام رهبری جهان را نسیب آنها خواهد کرد. (کیلی و مارفلیت، ۱۳۸۰: ۱۲۳) ایثارگری و فداکاری برای اهداف انقلاب از مهم‌ترین آن است که سبب سربرآوردن ارزش‌های معنوی و الهی خواهد شد. فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی علاوه بر اینکه در انقلاب اسلامی ایران توسط امام خمینی علیه‌السلام بازتولید شد، بلکه در نهضت‌های جهان اسلام و در عرصه مقاومت جنبه عملی و کاربردی به خود گرفت. (قاسمی، ۱۳۹۷: ۹۹)

توده مردم ایران رژیم پهلوی را ضد دین و فرهنگ می‌دانستند. (پناهی، ۱۳۹۱: ۱۷۷) مشکلات فرهنگی و مذهبی ریشه در تاریخ حاکمیت پهلوی داشت، آن‌طور که ماروین زونیس نقل کرده:

«استحاله فرهنگی و مذهبی» (زونیس، ۱۳۶۳: ۷۰) نقش مهمی در سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب ایران داشته است.

براساس نظر سنجی انجام شده در سال ۱۳۷۸ درباره علت و انگیزه انقلاب اسلامی ایران در سه سطح به ترتیب (انگیزه فرهنگ، اسلامی و دینی ۳۷٫۸)، (سیاسی و اجتماعی ۳۲٫۵) و (اقتصادی ۱۵٫۲) بوده است. (منصوری، ۱۳۸۰: ۱۰۴) بر پایه پژوهش دیگری که در سال ۱۳۸۹ انجام گرفته، ماهیت انقلاب ایران به ترتیب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را نشان داده است. (پناهی، ۱۳۹۱۱۲: ۳۲۰) از آنجاکه بیشترین شعارهای انقلاب اسلامی مربوط به اهداف و آرمان‌های انقلاب در بُعد فرهنگی بوده است، می‌توان گفت که انقلاب ایران برپایه ایدئولوژی اسلامی، آرمان مشخص، رهبری امام خمینی علیه السلام و با تأکید بر ارزش و هویت ایران و مذهب شیعی شکل گرفت.

نظریه گلدستون و تحولات سیاسی یمن

در سال ۲۰۱۱ میلادی خیزش‌های عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا آغاز شد. یکی از کشورهایی که شاهد تحولات سیاسی شد، یمن بود. اگرچه شیعیان حوثی رهبری تحولات سیاسی یمن را به عهده گرفته‌اند؛ ولی سایر گروه‌های اسلام‌گرا نیز در این کشور فعال هستند. یمن از لحاظ جریان‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی کشوری متکثر و متنوع است. چهار نیروی سیاسی اسلام‌گرای مهم در این کشور وجود دارند. اخوان المسلمین که جنبش اصلاح یمن آن را نمایندگی می‌کند؛ انصارالله / حوثی‌ها، جنبش‌های سلفی مختلف و جنبش انصارالشریعه که القاعده آن را نمایندگی می‌کند. (ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۶)

ریشه اصلی اختلاف‌های زیدی‌ها و به‌ویژه جنبش الحوثی با حکومت مرکزی به انقلاب ۱۹۶۲ میلادی برمی‌گردد که رژیم امامت را منحل و رژیم جمهوری تشکیل شد. (Hill, 2008: 5) در دوران جمهوری یمن، شیعیان در این کشور سیاست منفعلانه‌ای را در پیش گرفته بودند. در آن زمان نهاد‌های سنتی مذهبی نیز شیوه محافظه‌کارانه‌ای داشتند. به تدریج شیعیان یمن احساس کردند که دولت دیدگاه تبعیض‌آمیزی درباره آنها دارد و معتقد بودند که دولت، زیدی‌ها را به حاشیه رانده است. این شیعیان در سال ۱۹۹۲، جنبش انصارالله را به‌وجود آوردند. (Sharp, 2015: 2) ماهیت فرهنگی و مذهبی انقلاب ایران در ایجاد این تحركات در یمن بسیار مؤثر بود.

با مرگ حسین حوثی، رهبر حوثی‌ها، اختلاف میان دولت و شیعیان زیاد شد. درگیری میان حوثی‌ها و دولت علی عبدالله صالح برخلاف دیگر درگیری‌ها در این کشور یک درگیری طایفه‌ای و

قبیله‌ای نبود، بلکه علل دیگری داشت که می‌توان به عدم رضایت محلی از سیاست‌های داخلی و خارجی اشاره کرد. (Salmoni, 2010: 2)

با آغاز خیزش مردمی در یمن، حوثی‌ها در سال ۲۰۱۱، جنبش جوانان یمن را تأیید کردند و اسم جدید انصارالله را برای خود انتخاب کردند. انتخاب نام انصارالله نشان‌دهنده تسلط گفتمان اسلامی در آن بود. در برهه تحولات یمن در سال ۲۰۱۱ حوثی‌ها توانستند در تظاهرات صعد و عمران، جوف و ذمار، هزاران نفر را برای برگزاری تظاهرات علیه نظام حاکم بسیج کنند. (Ibid) آنچه انصارالله در یمن انجام دادند، همان سازمان‌دهی و بسیج نیروها است که در نظریه نسل چهارم انقلاب‌ها به آن تأکید شده و رهبری را موجد این شرایط دانسته است.

بعد از نافرجامی خیزش ۲۰۱۱ که مردم یمن تمام توان خود را برای مقابله با دولت یمن به کار بستند (Lutterbeck, 2012: 167) شروع مجدد حرکت مردمی در یمن را ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ می‌دانند. در آن روز صنعا، پایتخت یمن به دست حوثی‌ها افتاد. در نوزدهم ژوئیه سال ۲۰۱۵، حوثی‌ها به منزل هادی، رئیس‌جمهوری یمن حمله کرده و قصر ریاست‌جمهوری را که نخست‌وزیر در آن اقامت داشت، محاصره کردند. از آن زمان تحولات یمن وارد مرحله جدیدی شد. رویکرد حاکمان در زمان این تحولات، اصلاحات آمرانه بود. علی عبدالله صالح وعده انجام اصلاحات سیاسی داد و اعلام کرد که برای دوره بعد نامزد ریاست‌جمهوری نخواهد شد. ولی مردم یمن همچنان به اعتراضات خود ادامه دادند. (شه‌بخش، ۱۳۹۰: ۵)

منصور هادی از ۲۷ فوریه ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور یمن شد ولی در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۵ پس از آنکه حوثی‌ها کاخ ریاست‌جمهوری را تصرف کردند از مقام خود استعفا داد و قبل از اینکه مجبور به فرار به عربستان شود، تلاشی ناموفق برای بازیابی اقتدار خود در عدن / یمن جنوبی داشت. هدف منصور هادی از استعفا، ایجاد خلا قدرت و به تبع آن ایجاد اختلاف‌های داخلی و هرج و مرج در این کشور بود اما حوثی‌ها با تشکیل کمیته انقلابی برای اداره کشور خلاً کناره‌گیری رئیس‌جمهور را پر کردند، (بلوری، ۱۳۹۳: ۲) علی عبدالله صالح در یمن تلاش کرده بود تا در هم‌سویی با سیاست‌های غرب یا به بهانه نفوذ ایران، اسلام‌گرایان را در این کشور سرکوب کند. تحولات بعد از سرنگونی حاکم این کشور حاکی از آن است که اسلام‌گرایان نقش مؤثری را در تحولات این کشور خواهند داشت. (موسوی، باقری و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۲)

با نزدیک شدن پیروزی در یمن، عربستان با ائتلاف ۹ کشور عربی منطقه به جز عمان از ششم فروردین ۱۳۹۴ / ۲۶ مارس ۲۰۱۵ حملات گسترده‌ای علیه یمن انجام داد تا مانع از قدرت گرفتن انصارالله شود.

(Sharp, 2015: 2) این جنگ نیز شباهت زیادی به حمله صدام به ایران برای نابودی انقلاب دارد.

هرچند در بررسی ریشه‌های نارضایتی زیدی‌ها باید به سیاست‌های غلط دولت در امر خدمات، بهداشت و اشتغال اشاره کرد. در آن زمان جمهوری عربی یمن، بخش عمده ثروت این کشور را صرف هزینه‌های دولت و مدرن‌سازی صنایع می‌کرد و به معیشت و وضعیت اقتصادی شهرهای حومه اهمیت نمی‌داد. (Salmoni, 2010: 5) یمن فقیرترین کشور جهان عرب است، میانگین درآمد سالیانه هر فرد در این کشور فراتر از ۱۳۰۰ دلار نیست و حدود نیمی از جمعیت این کشور روزانه بیش از دو دلار درآمد دارند، اقتصاد متزلزل یمن و چالش جمعیتی رو به فزاینده، مشکلات اقتصادی را مضاعف کرده است. (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱: ۱۳۵)

شایان ذکر است تحولات یمن ریشه اقتصادی نداشت - چون این وضعیت سابقه دیرینه در یمن دارد - در واقع علت اساسی شروع این تحولات، وجود رژیم استبدادی و دیکتاتوری، عدم مشارکت سیاسی، فقدان آزادی‌های مدنی، حقوق شهروندی و حقوق سیاسی بوده است (شیرازی و مظلوم‌طیبایی زواره، ۱۳۹۱: ۲۱ - ۲۰) که حوثی‌های یمن را که دارای باورهای عمیق مذهبی و ایدئولوژی توحیدی بودند، گرد رهبری جمع کرد و بر علیه حکومت مرکزی به قیام واداشت. در ادامه به نقش هر کدام از این موضوعات که در نظریه گلدستون هم به عنوان عوامل اصلی انقلاب مطرح می‌شود، پرداخته خواهد شد.

الف) رهبری

نقش و جایگاه رهبری در نهضت‌ها و تحولات انقلابی دارای اهمیت است. اغلب انقلاب‌ها در جهان که با موفقیت همراه بوده‌اند، دارای رهبری توانمند هستند. در انقلاب‌های اخیر جهان اسلام محدود کشورهای عربی و جهان اسلام دارای رهبری منسجم و دارای ایدئولوژی بودند. خلاً رهبری از مهم‌ترین عوامل ناکامی، انحراف یا شکست انقلاب در مصر و دیگر کشورها بوده است. یمن از کشورهای عربی مسلمان در غرب آسیا بوده که دارای رهبر برای هدایت نهضت، بسیج و سازمان‌دهی مردمی، بازخوانی آرمان انقلابی و تلاش برای موفقیت انقلاب و استقرار نظام سیاسی بوده است. حضور رهبری در یمن برجسته و تعیین‌کننده بوده است. ابتدا بدرالدین حسین الحوثی با زمینه‌سازی و هدایت انقلاب یمن، مبانی گفتمانی انقلاب را که منبعت از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام بود، به جوانان یمن انتقال داد. (دغشی، ۱۳۹۲: ۱)

حسین بدرالدین حوثی یکی از مریدان امام خمینی علیه السلام بود و در دهه شصت میلادی برای آشنایی با اندیشه‌های امام به قم سفر کرده بود. وی در یکی از معروف‌ترین سخنرانی‌های خود، تأثیرات

اندیشه‌های جنبش خود از انقلاب امام خمینی علیه السلام را ارائه داد. (forum.qawem.org) بعد از حسین الحوثی، گروه جوانان مؤمن نام خود را به گروه الحوثی تغییر داد. بدرالدین الحوثی رهبر معنوی حوثی‌ها بود و فرزندان وی نقش رهبری سیاسی و نظامی حوثی‌ها را برعهده دارند. رهبری انقلاب نیز در دست این گروه است. (Park, 2015: 1)

درباره رهبری انقلاب یمن گفتنی است که وجود رهبری قوی در یمن مشهود است. سید حسین یک شخصیت با ویژگی رهبری توانمند، کم‌حرف، پرتلاش، زرنگ و نافذ بوده که گفته‌شده زمانی یک فرد با وی ملاقات و دیدار می‌کرد ناخواسته ولایت ایشان را می‌پذیرفت. (تلاشان، ۱۳۹۱: ۸۸)

رهبری حرکت و خیزش مردمی یمن به اندیشه زیدی وفادار است و انقلاب را برپایه این اندیشه رهبری می‌کند. (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱: ۱۳۵) این رویکرد رهبری انقلاب یمن علاوه بر مدیریت و بسیج نیروهای انقلابی که بسیار مهم و کاربردی است، ریشه در ایدئولوژی، فرهنگ و هویت مردم یمن دارد. با این وصف، تحولات سیاسی یمن انطباق دقیقی با مؤلفه رهبری گلدستون دارد. حضور رهبری انقلاب یمن سبب شده علاوه بر استحکام انقلاب، رهبری شکل قیام را از طایفه ایبی و مذهبی به ملی تبدیل کند. (مددی، ۱۳۹۳: ۵۰ - ۴۵) آنچه گلدستون در نقش رهبری تبیین می‌کند، نقش رهبری خارج ساختن انقلاب از ماهیت طایفه ایبی و مذهبی است که آن را به ائتلاف ملی ارتقا دهد. (Goldstone, 2009: 32) در انقلاب یمن، رهبری توانسته است گروه‌های مختلف دینی، ملی را متحد کرده و همسان‌سازی در انقلاب را ایجاد کند و در گروه‌های انقلابی اعتماد به وجود آورد و آنها را مدیریت کند. (مددی، ۱۳۹۳: ۴۸) پس از شهادت حسین الحوثی برادرش عبدالملک رهبری جنبش را برعهده گرفت و سیاست‌های وی را دنبال کرد. امروزه رهبری در تحولات سیاسی یمن تعیین‌کننده است و راهبردهای انقلابی و تاکتیک‌های هدایت نهضت را پیاده‌سازی می‌کند.

ب) ایدئولوژی و آرمان

در تحولات سیاسی یمن نقش رهبری الحوثی هماهنگی و بازخوانی آرمان‌ها و هدایت انقلابیون است. از برجسته‌ترین آرمان‌های تحولات یمن، قرائت انقلابی از مفاهیم تشیع با الگو قرار دادن ایدئولوژی انقلاب اسلامی و تفکر امام خمینی علیه السلام است. ایستادگی مردم یمن و مقاومت در منطقه نمادی از این آرمان و باور به این ایدئولوژی است. (تلاشان، ۱۳۹۱: ۸۷) تحولات سیاسی یمن متأثر از ایدئولوژی انقلاب اسلامی و مبتنی بر اندیشه محور مقاومت اسلامی است. علت این موضوع وجود ۴۰ درصد شیعیان یمن و از سوی دیگر تشکیل «شاخه یمنی حزب‌الله» یعنی «انصارالله» است. به‌طوری‌که در صنعا، بنرها و پوسترهایی در تأیید حزب‌الله و تصاویر امام خمینی علیه السلام و شعارهایی نظیر

«مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و لعنت بر یهود» نصب می‌شود. (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۴۱)

روح ایدئولوژی و آرمان مردم یمن به خصوص حوثی‌ها، نخست به تربیت ارزشی و تفکر اجتهادی حوثی بر پایه اندیشه زیدی و دیگری به امر به معروف و نهی از منکر بازمی‌گردد. زیدیه لازمه ایمان را بر اصل رد و سرکشی و سرپیچی و شورش و محاربه خون‌خواهی از هر حاکمی فاسق و فاسد می‌داند. (دغشی، ۱۳۸۸: ۸)

ج) فرهنگ و باورها

شیعیان زیدی گرایش و باور عمیق و قلبی به اهل بیت علیهم‌السلام دارند و همواره با ذکر و مدح ایشان مراسم را برگزار می‌کنند. برای نمونه در مراسم تشییع جنازه، از اول تا آخر ذکر اهل بیت علیهم‌السلام گفته می‌شود. (العماد، ۱۳۸۷: ۲۰) ریشه این فرهنگ دینی و باور و عمل به ارزش‌های اسلامی مبتنی بر فرهنگ شیعی به زمان امام علی علیه‌السلام بازمی‌گردد که از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای آموزش قرآن و احکام دینی به یمن رفت. (موسوی‌نژاد و یزدانی، ۱۳۸۹: ۲۳۲)

در زمینه فرهنگ و باورهای مردم یمن باید به این نکته توجه داشت که آنها قیام خود را براساس ارزش‌های اسلامی و باورهای فرهنگی و هویتی شروع کردند و این با رویکرد گلدستون در زمینه یکی از مؤلفه‌های انقلابی تطابق دارد. زیدی‌ها به این باور رسیدند که امام و رهبری برای مدیریت انقلاب باید از نسل حسین علیه‌السلام، عالم بوده و قیام به شمشیر کند. این مؤلفه که انقلاب‌های نسل چهارم مبتنی بر فرهنگ و باورهای ارزشی باشد در تحولات یمن وجود دارد. علاوه بر این، نوع رهبری و مدل انقلاب را به انقلاب ایران تشبیه کرده‌اند که تأیید دیگری در تطبیق تئوری گلدستون هست. باورها و ارزش‌های ملی و دینی در شعارهای انقلابیون یمن ماهیت انقلاب را هویدا می‌کند، شعار «الله اکبر»، «الموت آمریکا»، «الموت الاسرائیل»، «العنته علی الیهود» و «النهضة الاسلام» از برجسته‌ترین آن است. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱)

تحولات سیاسی یمن مبتنی بر اندیشه و تفکر حسین الحوثی بوده که ریشه در فرهنگ دینی و باور عمیق اسلامی دارد. فرهنگی که در ساختارهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی یمن ریشه عمیق دارد و با مباحث دینی و مذهبی پیوند خورده است. (Pollac, 2015: 7) به اعتقاد حسین الحوثی هدف از انقلاب که در آرمان امام خمینی ره نیز وجود دارد، خدمت‌رسانی به اقشار مردم و روحیه مردمی و خدمت‌رسانی به مردم است؛ بنابراین فقیر و مستضعف با سرمایه‌دار هیچ فرقی ندارد و رسیدگی به امور همه و فرزندان امت برایش اهمیت دارد. (طباطبایی فرد، ۱۳۹۴: ۲۹)

د) شبکه ارتباطی و شخصیت‌ها

سابقه تاریخی شکل‌گیری شبکه ارتباطاتی به حضور و هدایت شخصیت‌ها در تأسیس «انجمن شهاب المومن» باز می‌گردد. این انجمن با شخصیت‌هایی نظیر صلاح محمد، بدرالدین حوثی و فرزندان آن به منظور تقویت زبده و گسترش شبکه ارتباطاتی ایجاد شد. در این انجمن تلاش شد تا برای جوانان انقلابی و به خصوص دانشجویان، کارگاه، کلاس، جلسات مختلف فرهنگی دینی و برنامه‌های منظم در چارچوب فرهنگی و آموزشی تشکیل شود. علاوه بر استان «صعده» که هسته مرکزی این شبکه ارتباطی بود در استان‌های دیگر نیز شعبه تشکیل داده شد تا شبکه ارتباطی را گسترش دهد تا جایی که ۱۸ هزار دانشجو به صورت زنجیره‌ای به این شبکه پیوستند. (ربیع فر و نزارمحمد، ۱۳۹۴: ۱۴۱)

شیعیان زیدی جهت شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی و شخصیت‌ها با دریافت مجوز توانستند در حوزه‌های علمیه به فعالیت‌های فکری و فرهنگی مشغول شوند. اگرچه این ویژگی مخصوص شیعیان دوازده امامی بود، - فعالیت فکری و فرهنگی از ائمه معصومین علیهم‌السلام به دوره معاصر منتقل شده و در تاریخ معاصر نیز توسط امام خمینی علیه‌السلام بازتولید شده و در عرصه سیاست موجب آگاهی بخشی مردم شد - در میان شیعیان زبده به خصوص نسل جدید و جوانان نیز گسترش یافت. (تلاشان، ۱۳۹۱: ۸۷)

شبکه ارتباطی جوانان یمن اغلب از طریق جلسات خصوصی در منزل تشکیل می‌شد و گروه مردمی بیشتر مطالب رادیو عربی جمهوری اسلامی ایران و شبکه المنار را تحلیل و بررسی می‌کردند و بعد آن را به انقلابیون انتقال می‌دادند. (مدنی، ۱۳۸۶: ۱) شخصیت‌های انقلابی یمن در این جلسات سخنرانی می‌کردند و سخنرانی رهبران انقلابی و مسئولان از طریق این شبکه شکل گرفته در شهرها و روستاهای مختلف گسترش می‌یابد.

با آغاز تحولات، شبکه ارتباطی که بین انقلابیون ایجاد شده بود، آن را گسترش می‌دهند و مطالبات بر مبنای مؤلفه‌های دینی و ارزشی برجستگی پیدا می‌کند. انقلابیون یمن به دنبال حقوق ازدست‌رفته شیعیان، استقلال و عدم وابستگی هستند. نداشتن مدارس دینی برای شیعیان، شکنجه انقلابیون و گروه‌های مذهبی، زندانی کردن شیعیان و علمای شیعه، جلوگیری از برگزاری مراسم شیعیان و توهین به ارزش‌ها از عوامل دیگر تحولات انقلابی یمن است. (مسعودنیا، ۱۳۹۱: ۱۳۸ - ۱۲۸)

وضعیت سیاسی کشور یمن فضای انقلابی ایران را در اذهان یادآور می‌شود و براساس این تحولات پیش‌گفته در تئوری نسل چهارم انقلاب و نظریه گلدستون تطبیق بیشتری پیدا می‌کند.

نقش رویکرد مبارزاتی مردم یمن و انصارالله شبه مسلحانه بوده و دارای بعد ایدئولوژیک است. البته زمانی که مبارزات انصارالله سازمان یافته نبود، تلاش این گروه‌ها برای سامان‌دهی حملات و

هدفمند شدن مبارزات مسلحانه بود. (دغشی، ۱۳۸۸: ۱) از مؤلفه دیگر تئوری گلدستون در تبیین انقلاب رویکرد مسالمت‌آمیز بودن است، اگر جنگ‌های پیش از تحولات اخیر حوثی‌ها با حاکمیت در نظر گرفته نشود. انقلاب یمن براساس اظهارات رهبری انقلاب مشی مسالمت‌آمیز دارد.

گفتنی است قبل از حمله عربستان به یمن، براساس نظرسنجی انجام‌شده مردم یمن بر این باور بودند که عربستان نقش مهمی در بی‌ثباتی این کشور دارد. بعد از آن نیز، عربستان در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ مداخله در قدرت داخلی یمن و تهاجم نظامی به این کشور را آغاز نمود و جنگنده‌های سعودی بارها و به‌طور مکرر خاک یمن را مورد اصابت قرار دادند. (popp, 2015: 2) در حین حملات سعودی‌ها بیم آن داشتند که با سقوط حکومت علی عبدالله صالح، حکومت آل سعود نیز سقوط کند. (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۶۰) آنچه در باب حاکمیت اقتدارگرای عربی منطقه مشهور است، دیگر «آل‌ها» در منطقه احساس امنیت نمی‌کنند. (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۵۴) درباره مبارزات مردم یمن در جنگ‌های متعدد ذکر شده و امروزه درگیری با نیروهای سعودی مشی مسلحانه انقلاب در یمن نیست. آنچه در تحولات یمن اهمیت داشته و رهبری آن تأکید دارد، حفظ ماهیت مدنی در اعتراض و پرهیز از برخورد مسلحانه بود. (مددی، ۱۳۹۳: ۱۶۳) یعنی همان چیزی که در تئوری گلدستون به‌عنوان ویژگی انقلاب‌های نسل چهارم گفته شده و بر جنبه مسالمت‌آمیز بودن تأکید شده است. درواقع آنچه در پیام رهبری الحوثی و خیزش مردمی یمن وجود دارد، استفاده از مشی مسالمت‌آمیز است. البته در برابر تجاوز ائتلاف عربی به رهبری عربستان ناچار از دفاع و استفاده از مبارزه مسلحانه هستند.

مقایسه تطبیقی نظریه گلدستون در ایران و یمن

در قسمت مقایسه انقلاب اسلامی و تحولات سیاسی یمن به‌صورت مختصر مصادیق و شاخص‌های تحولات پرداخته می‌شود.

الف) رهبری

موضوع رهبری، مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران است، رهبری در یمن نیز فعال و اثرگذار بوده و درواقع مهم‌ترین رکن بسیج‌کننده است. رهبری حرکت مردمی یمن شبکه‌ای از تعاملات غیر رسمی بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها ایجاد کرده و آن را هدایت می‌کند و از سوی دیگر رهبری در یمن هویت مشترک جمعی را ایجاد کرده است. (مددی، ۱۳۹۳: ۳۴) سخنرانی‌های عبدالملک حوثی، سبب بسیج مردمی شده و در راستای احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی قرار داشته است. بدرالدین حوثی نیز از طریق خطبه‌های نماز جمعه، اندیشه و نظر خود را پیرامون مباحث مختلف سیاسی و

اجتماعی کشور مطرح کرده و بدین ترتیب به هدایت انقلاب می‌پرداخت. در واقع خطبه‌های نماز جمعه ایشان از چنان اهمیتی برخوردار بود که بسیاری بر این باور هستند که تحولات یمن از طریق خطبه‌های ایشان در نماز جمعه هدایت و اداره می‌شود. در انقلاب ایران نیز چنین بوده است. (ر.ک: هراتی و قاسمی ۱۳۹۳)

ب) آرمان و ایدئولوژی انقلاب

در یمن تعالیم زیدیه، ایدئولوژی انقلاب بود که بر پایه اصالت دادن به وحدانیت خدا و تعالی بشر بنا شده است. وجود ۴۰ درصد شیعیان در یمن دلیل کافی برای ایدئولوژی شیعی در تحولات یمن است. (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۸) در ایران و یمن مذهب تشیع، انگیزه ایدئولوژیکی مورد نیاز برای بسیج مردمی و سازمان‌دهی مردمی را مهیج کرده است. بیداری اسلامی یمن بیانگر بازگشت به اسلام در عرصه جامعه، سیاست و فرهنگ است. (خواجهرسروی و شهرکی، ۱۳۹۱: ۱۹۰) آرمان مردم یمن در شعارهایشان مشهود است که تحریم کالاهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی از مصادیق آن بوده و از سوی دیگر آرمان انقلابی مبتنی بر قرآن و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام است. (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۴۳) تلاش برای خروج شیعیان از انزوای سیاسی و اجتماعی از مهم‌ترین هدف و آرمان انقلابیون یمن به‌شمار می‌آید. (شیرخانی و ترکی، ۱۳۹۶: ۸۶؛ عباسی و گلچینی، ۱۳۹۴: ۸۸) تظاهرات مردم یمن یا از مساجد و حسینیه‌ها آغاز شده و یا به آنجا منتهی گردیده است. مساجد و حسینیه‌ها برای انقلابیون پایگاهی برای اتحاد، مرکزی جهت برنامه‌ریزی و محلی برای پناه‌بردن به آن به‌شمار می‌رود. در ایران نیز به‌سبب نقش تأثیرگذاری که در پیشبرد انقلاب داشته، مهم است. (هراتی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۷۶)

ج) فرهنگ و باورها

انقلاب ایران به‌خاطر طرح اصول و ارزش‌های ایدئولوژیک جدید، علاوه بر خود، تأثیر عمیقی بر بنیادها و نظام ارزشی حاکم بر روابط بین‌الملل گذاشت. (Skocpol, 1979: 286) امام، عصاره فرهنگ و باورها را در دین می‌دانستند؛ مبدا قرآن مقدس و آیین نجات‌بخش اسلام را با مکتب‌های غلط و منحرف‌کننده‌ای که از فکر بشر تراوش کرده است خلط نمایند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲ / ۴۳۸) در واقع در انقلاب ایران، فرهنگ به‌عنوان چارچوب در نظر گرفته شده بود. انقلاب اسلامی هویت و فرهنگ تئوری جدیدی به جهان عرضه کرد. (فراتی، ۱۳۷۷: ۱۸۴)

آنچه در یمن اتفاق افتاده تلاش برای احیای فرهنگ و هویت مخدوش شده توسط رژیم علی عبدالله صالح هست. دولت یمن اقداماتی را برای از بین بردن فرهنگ و هویت شیعی و حوثی‌ها

انجام داده است، برای نمونه سوزاندن برخی کتابخانه‌های خصوصی و دست‌نوشته‌های منحصر به فردی از فرهنگ اسلامی و از بین بردن تمامی نسخه‌های دو کتاب نهج البلاغه و صحیفه سجادیه. (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱: ۱۳۷) محمد منصور یکی از رهبران، به الگو بودن فرهنگ شیعی ایران در انقلاب یمن و بازگشت به فرهنگ دینی و شیعی اشاره کرده است. (عباسی و گلچینی، ۱۳۹۴: ۸۷ - ۴۳) اگرچه توجه به مباحث فرهنگی و باور به آن پیش از انقلاب نیز وجود داشته است. (امیردهی، ۱۳۸۹: ۱۲۸) از مهم‌ترین باورهای دینی و فرهنگ دینی و هویتی در تحولات یمن توجه به فرهنگ اجتماعی شیعی و نقد وضعیت موجود است. (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۸) از سوی دیگر انقلاب در ایران و یمن خاستگاه و پایگاه مردمی داشته است که گویای ماهیت فرهنگی و هویتی انقلاب است.

د) شخصیت‌ها و شبکه ارتباطی

در ایران از طریق حوزه‌های علمیه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و هیئت‌های مذهبی به مثابه شبکه‌های ارتباطی وسیع، دست به بسیج مردم زدند. در ایران «از طریق مساجد، مراسم عزاداری، وعظ و خطابه و تبلیغات، به سربازگیری، سازمان‌دهی، آموزش و بسیج نیرو می‌پرداختند تا در صورتی که شرایط اقتضا کرد، قدرت را به دست گیرند». (Dabashi, 1993: 110) در ایران، شبکه‌های ارتباطی عمدتاً به روش‌های سنتی صورت گرفت. دیدارهای چهره‌به‌چهره، انتقال پیام رهبر به بدنه انقلاب مردم توسط نخبگان، انتقال پیام امام به بدنه انقلاب توسط روزنامه، رادیو یا نوارهای صوتی و اعلامیه از جمله شبکه‌های ارتباطی را تشکیل می‌داد. (ر.ک: هراتی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۸۰ - ۱۶۳) در یمن بدرالدین حوثی از طریق شبکه شخصیت‌ها و سخنرانی‌های مستقیم به مدیریت و رهبری به شیوه سنتی عمل می‌کند. شبکه ارتباطی یمن با شخصیت‌های انقلابی در گذشته نیز وجود داشته است؛ برای مثال سید حسین حوثی که از سادات حسنی بوده است در اوایل انقلاب با امام خمینی رحمته‌الله‌علیه ارتباط داشت و به ایران سفر کرده و بعد از رحلت امام نیز مدتی در ایران بوده است. (عباسی و گلچینی، ۱۳۹۴: ۸۸ - ۸۷) در تحولات یمن علاوه بر استفاده از این شبکه و ظرفیت‌ها از شبکه‌های مجازی و نوین نیز استفاده شده است. شکل‌گیری سازمان‌های متعدد در انقلاب یمن تأییدکننده شبکه ارتباطی در انقلاب است که مهم‌ترین آن «رابطه الشیعه جعفریه فی الیمن»، «المجمع الاسلامی الیمنی شیعی»، «مؤسسه علمی و فرهنگی بدر»، «مؤسسه الرسالیه»، «مؤسسه الامام الزید بن علی الثقافیه»، «رابطه العلما الیمن»، «جمعیت عبد الله رفیع» و برخی نهادهای دیگر که به صورت شبکه ارتباطی در انقلاب یمن ایفا نقش می‌کنند. (عباسی و گلچینی، ۱۳۹۴: ۸۶)

نتیجه

گلدستون علت اصلی انقلاب را در رهبری، ایدئولوژی، شبکه ارتباطی و فرهنگ و باور در جوامع انقلابی می‌داند. فرایند انقلاب در رهیافت نظریه‌های نسل چهارم انقلاب، زنجیره‌ای از علت‌های انقلابی دارد. اگرچه مقصود از فرهنگ و ایدئولوژی مدنظر گلدستون با ماهیت ایدئولوژی و فرهنگ جوامع اسلامی تفاوت دارد؛ ولی مؤلفه‌های تئوری وی با انقلاب ایران و تحولات یمن هم‌خوانی بیشتری را نشان داد.

مقاله در پی آن بود که رهیافت نسل چهارم انقلاب‌ها را در مورد انقلاب ایران و تحولات سیاسی یمن تطبیق دهد، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که انقلاب ایران بر محور عوامل کارگزاری، رهبری الهی و ایدئولوژی استوار است. تئوری گلدستون سیر انقلاب ایران، ریشه‌ها و فرایندها را به‌خوبی تبیین می‌کند؛ مهم آن که در اغلب تئوری‌ها نتایج انقلاب و وضعیت «پسا انقلابی» نادیده انگاشته شده، اما در این تئوری مورد توجه قرار گرفته است.

براساس تئوری پیش‌گفته وجوه اشتراک این دو که ریشه دینی و هویتی داشته‌اند آشکار شده است. این رهیافت با دو تحول و رخداد در جهان اسلام ارزیابی شد، نتیجه ارزیابی و مقایسه تطبیقی نشان داد که انقلاب اسلامی ایران و تحولات سیاسی یمن انطباق زیادی با مؤلفه‌های مطرحه تئوری دارد.

در نتیجه، نظریه توانایی تبیین تحولات انقلابی - سیاسی ایران و یمن را در مقایسه با نظریه‌های پیشین «سه‌گانه مطرح‌شده» دارا است. نظریه مذکور انقلاب را از محصور بودن در یک بعد رهانیده است. در نهایت تحقیق نشان داد که در زمینه ایدئولوژیکی، آرمان، شبکه شخصیت‌ها، هویت و باورها و آنچه مربوط به رهبری انقلاب است، در انقلاب ایران و تحولات یمن وجود داشته است.

شایان ذکر است که تحولات سیاسی یمن هنوز به‌صورت کامل و دقیق در تئوری‌های انقلاب قابل تبیین و تحلیل نیست. به این جهت که تمام ویژگی‌های یک انقلاب را دارا نیست و از سوی دیگر نظریه پردازان انقلاب همانند انقلاب ایران در انقلاب بودن این پدیده اتفاق نظر ندارند. به‌همین دلیل است که برخی از نظریه پردازان تحولات سیاسی یمن را در حد شورش داخلی و یا آوای تجزیه‌طلبی به یمن شمالی و جنوبی فروکاسته است. اگرچه صحیح به نظر نمی‌رسد. آنچه در تحولات سیاسی یمن براساس نظریه نسل چهارم انقلاب‌ها بررسی شد. تحولات یمن دارای خصیصه و ویژگی‌های انقلاب‌های جدید بوده و انطباق بیشتری با نظریه گلدستون دارد. در تجزیه یمن به

شمالی و جنوبی نیز گفتنی است با شرایط داخلی یمن انطباق ندارد، بعید به نظر می‌رسد که فدرالیسم به وحدت و آرامش بینجامد. تقسیم فدراتیو یمن بدون توجه به وضعیت قومی و مذهبی مردم یمن و با دخالت عربستان سعودی و سایر قدرت‌های بزرگ بی‌نتیجه خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. استمپل، جان دی، ۱۳۷۸، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، رسا.
۲. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۱، *کوتور: خلاصه بیانات امام خمینی ۱۳۲۷ - ۱۳۵۹*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. امیر دهی، علیرضا، ۱۳۸۹، «یمن از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران»، *اندیشه تقریب*، شماره ۲۳، تابستان ۸۹.
۵. بلوری، جعفر، ۱۳۹۳، *یمن و فرمول انقلاب اسلامی ایران*، تهران، کیهان.
۶. پناهی، محمدحسین، ۱۳۹۱، *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران، سمت.
۷. ترکی، هادی، ۱۳۹۵، «تقابل رویکرد هویتی و الگوهای ایران و عربستان در یمن»، *مطالعات خاورمیانه*، شماره ۸۶، زمستان ۹۵، ص ۳۳-۵۰.
۸. تلاشان، حسن، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن»، *شبهه‌شناسی*، سال دهم، شماره ۴۰.
۹. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۸۳، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم ثوری‌های انقلاب»، *جامعه‌شناسی*، شماره ۱۹، پاییز ۸۳، ص ۱۲۳-۸۶.
۱۰. خواجه‌سروی، غلامرضا و حامد شهرکی، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در یمن تأکید بر جنبش الحوثی»، *انجمن انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره اول، تابستان ۹۱، ص ۲۲۰-۱۸۸.
۱۱. دارا، جلیل و محمود بابایی، ۱۳۹۴، «بازخوانی جنبش انصار الله در بستر انقلاب اسلامی»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۱۵، زمستان ۹۴، ص ۱۵۰-۱۲۹.
۱۲. دغشی، محمد احمد، ۱۳۸۸، «تبارشناسی حوثی‌ها»، *سایت حوزه*، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۷.
۱۳. ذوالفقاری، امیرعلی، ۱۳۹۳، «تحولات یمن؛ ریشه‌ها و روندها، معاونت»، *دفتر مطالعات سیاسی*،

کد موضوعی ۲۶۰، شماره مسلسل ۱۳۹۲۸.

۱۴. ربیعی فر، احمد و ابراهیم نزار محمد، ۱۳۹۴، *پرچم‌های برافراشته*، قم، مجد السلام.
۱۵. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۸۰، *توسعه و تضاد*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. زاهدانی، سید سعید زاده، ۱۳۹۲، «بررسی و نقد کتاب مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۳، شماره ۴، زمستان ۹۲، ص ۸۹-۶۳.
۱۷. زونیس، ماروین، ۱۳۶۳، *شکست شاهانه*، ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران، نور.
۱۸. سیمبر، رضا و دیگران، ۱۳۷۸، *اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۹. شهبخش، یعقوب، ۱۳۹۱، «نگاهی به خیزش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، *ندای اسلام*، شماره ۴۵-۴۴، ص ۷۱-۶۷.
۲۰. شیرازی، حبیب‌الله و سید رضا مظلوم طبایبی، ۱۳۹۱، «کالبد شکافی انقلاب صورتی در یمن و نقش عربستان در سرکوب آن»، *روابط بین‌الملل*، ص ۷۶-۳۷.
۲۱. شیرخانی، علی و هادی ترکی، ۱۳۹۶، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حوثی‌های یمن»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۵۰، پاییز ۹۶، ص ۹۸-۷۹.
۲۲. صادقی، حسین و حسن احمدیان، ۱۳۸۹، «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها»، *راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۶، ص ۲۷۰-۲۵۳.
۲۳. طباطبایی فر، سید محمد، ۱۳۹۴، *حوثیان یمن*، قم، ادیان و مذاهب.
۲۴. عباسی، مجید و سعید گلچینی، ۱۳۹۴، «انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن از هویت‌یابی تا بیداری اسلامی»، *مطالعات راهبردی بسیج*، زمستان ۹۴، شماره ۶۹، ص ۱۰۲-۶۹.
۲۵. عشقی، لیلی، ۱۳۷۹، *زمانی برای زمان‌ها: امام و شیعه*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، بازشناسی اسلام.
۲۶. العماد، عصام، ۱۳۸۷، «شیعیان یمن: بررسی وضعیت فرهنگی - سیاسی»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۹، بهار ۸۷.
۲۷. عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۷، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران، نشر کتاب.

۲۸. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۷۷، *رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
۲۹. فوکو، میشل، ۱۳۶۳، *ایرانی‌ها چه روایتی در سر دارند*، ترجمه حسین معصومی همارانی، تهران، هرس.
۳۰. فوکو، میشل، ۱۳۸۶، *ایران روح یک جهان بی‌روح و گفتگوی دیگر با میشل فوکو*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
۳۱. قاسمی، بهزاد، ۱۳۹۷، «ارزیابی تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۴، زمستان ۹۷، ص ۹۷-۱۱۳.
۳۲. قاسمی، بهزاد، ۱۳۹۷، «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ براساس گفتمان انقلاب اسلامی»، *آفاق و امنیت*، سال یازدهم، شماره ۳۸، بهار ۹۷، ص ۳۳-۵.
۳۳. قربانی مژگان و سرور سوری، ۱۳۹۵، «انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران براساس مدل راهبردی SWOT»، *بیداری اسلامی*، سال ۵، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۹۵، ص ۶۰-۳۳.
۳۴. کاشانی، مجید، ۱۳۷۴، *جامعه‌شناسی انقلاب*، تهران، پیام نور.
۳۵. کدی، نیکی، ۱۳۸۷، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۶. کریمی، محمود، ۱۳۸۸، *یمن، صاعده الحوثی‌ها*، تهران، سایت راسخون.
۳۷. کیلی، ری و فیل مارفیل، ۱۳۸۰، *جهانی‌شدن و جهان سوم*، ترجمه حسن نورائی بیدخت و محمدعلی شیخ‌علیان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی.
۳۸. گلدستون، جک، ۱۳۸۵، *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
۳۹. گلدستون، جک، ۱۳۸۷، «انقلاب‌ها در دیکتاتوری مدرن»، *در مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخ در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
۴۰. گیدنز، آتونی، ۱۳۷۴، *جامعه‌شناسی*، تهران، نشر نی.
۴۱. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۷، *انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها*، قم، دفتر نشر معارف.

۴۲. مددی، جواد، ۱۳۹۳، «نقش انصارالله در رهبری تحولات یمن»، *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۵۸، تابستان ۹۳، ص ۵۶ - ۳۳.
۴۳. مدنی، سید سحر، ۱۳۹۶، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران در یمن*، قابل دسترسی در سایت یاران امام زمان علیه السلام.
۴۴. مسعودنیا، حسین و حسین توسلی، ۱۳۹۱، «بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال اول، شماره ۳، پاییز ۹۱، ص ۱۴۱ - ۱۲۱.
۴۵. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۷، *بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۶. ملکوتیان، مصطفی، خرم بقایی و هومن نیری، ۱۳۹۱، «گونه‌شناسی نظریه‌های انقلاب»، *سیاست*، بهار ۹۱، شماره ۲۱، ص ۳۵۰ - ۳۳۳.
۴۷. منصوری، جواد، ۱۳۸۰، «نگاهی به نظریه‌های انقلاب اسلامی»، *رواق اندیشه*، شماره ۵، ص ۱۰۴ - ۹۵.
۴۸. موسوی نژاد، علی و علی یزدانی، ۱۳۸۹، «پیدایش و تطور دولت زبیدی در یمن»، *تاریخ اسلام*، شماره ۴۴ - ۴۳.
۴۹. موسوی، سید محمد، مریم باقری و سید محمدرضا موسوی، ۱۳۹۲، «علل و ریشه‌های خیزش مردم کشورهای لیبی و یمن ۲۰۱۱ - ۲۰۱۰»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۲۳، ص ۲۲۱ - ۱۹۷.
۵۰. موسوی، محمد و محسن باقری، ۱۳۹۴، «نظریه سازه‌انگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله و انقلاب یمن»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، پاییز ۹۴، شماره ۱۴، ص ۲۲۹ - ۲۰۷.
۵۱. نیاکوثی، سید امیر، ۱۳۹۰، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا و پیامدهای متفاوت»، *روابط خارجی*، سال ۳، زمستان ۹۰، شماره ۴.
۵۲. هراتی، محمدجواد و بهزاد قاسمی، ۱۳۹۳، «تفاوت جایگاه و نقش رسانه در انقلاب اسلامی ایران و تحولات ۲۰۱۱ مصر»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال سوم، شماره ۹، تابستان ۹۳، ص ۱۸۰ - ۱۶۳.

53. Dabashi.hamid, 1993, *Theologh of Discontent: The Ideeoloagical foundation of the Islamic Revolution in Iran*, New York: New York University Press.

54. Foran, John, 1993, *Theories of Revolution: Toward a Fourth Generation?*

- Sociological Theory*, Vol. 11, No. 1, March, p. 1-20.
55. Genny Hill, 2005, *Yemen: Fear of Failure, Chatam House: Middle East Program*, November 2008, p. 5.
 56. Goldeston, J., 1995, Predicting Rrvolutions Why we could and should How Foreseen the Rrvolutions of 1989-1991 in the *u.s.s.r and Easler Europe inbd*, p. 390.
 57. Goldstone, Jack, 1980, "Theories of Revolution: The Third Generation ", *World Politics*, the Trustees of Princeton University, p. 425-453.
 58. Goldstone, Jack, 2001, "Toward a Fourth Generation of Revolutionary Theory", *Annual Review of Political Science*, Vol 4, p. 139-187.
 59. Goldstone, Jack, 2009, "Rethinking Revolution: Integrating Origins, Processes, and Outcomes", *CSSAAME* (Comparative Studies of South Asia, Africa, and the Middle East), Vol, 29, p 8-32.
 60. Hill, Genny, 2008, *Yemen: Fear of failure*, Chatam House: Middle East program, November 2008.
 61. Keddie, N, 1981, *Roots of Revolution and Interpretive history of Modern Iran*, New Haven, Yaleuniversity press.
 62. Lutterbeck, Derek, 2012, *The Role of Armed Forces in the Arab Uprising*, available at: www.um.edu.mt
 63. Park, sungtae, 2015, "Fact sheet: yemen", *American Security*.
 64. Pollack, Kenneth. 2015,. "The Dangers of the Arab Intervention in Yemen", *Brookings Institution*, Washington DC.
 65. ProjectSharp, Jeremy, 2015/03/26, "Yemen: Civil War and Reginal Intervention", *Congressional Research Service*.
 66. Salmoni, Barak A. & Bryce Loidolt, Madeleine Wells, 2010, *Regime and Periphery in Northern Yemen: The Huthi Phenomenon*, See: [www. Rand Corporation](http://www.randcorporation.com).
 67. Sharp Project, Jermy, 2015, "Yemen: Civil warand Reginal Intervention", *Congressional Research Service*, 2015.
 68. Skocpol, Theda, 1982, "Renties State and Shia Islamin Iranian revolution", *Theory and Society*, Vol. 111.

تحليل مضمون عوامل مادی اقتدار ملی در بیانات

آیت‌الله خامنه‌ای و مبانی قرآنی آن

زینب پورکاویان* / بی‌بی سادات رضی بهابادی^{xx} / آتنا بهادری^{xxx}

poorkavian73@gmail.com

*. دانش‌آموخته ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراءع.ت.

چکیده

اقتدار یک حکومت مهم‌ترین راه دستیابی به اهداف، حفظ و تداوم شاکله آن است. رهبر جامعه، یکی از عوامل بسیار اثرگذار بر اقتدار ملی است. راهبردهای مدیریتی رهبر، نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتدار جامعه دارد. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) که سال‌ها است رهبری جمهوری اسلامی ایران را به دست دارند، در دوران رهبریشان بر اهمیت اقتدار ملی تأکید داشته‌اند. نوشتار حاضر درصدد بررسی عوامل مادی اقتدار ملی در بیانات ایشان و مبانی قرآن آنها است. این مقاله بخشی از پژوهش توصیفی - اکتشافی است که با روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MaxQDA، اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) را بررسی و سپس مبانی قرآنی آن را استخراج نموده است. عوامل اقتدار ملی در بیانات قابل تقسیم به دو بخش مادی و معنوی است. عوامل مادی به ترتیب عبارتند از: مسئولان، علم و فناوری، مردم، نیروهای مسلح، اقتصاد، جمعیت و نسل جوان، انقلاب و انقلابی‌گری و انتخابات است که همه محورها دارای مبانی قرآنی هستند.

واژگان کلیدی

مبانی قرآنی اقتدار ملی، اقتدار ملی، عوامل مادی اقتدار ملی، راهبر، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی).

b.razi@alzahra.ac.ir

atenabahadori@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۴

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع).

*** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه الزهراء (ع).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۱